



بیدار و مادر دانا فرزندتان سالم و توانا



دکتر احمد به‌پژوه
استاد روانشناسی دانشگاه تهران

چند سؤال:

آیا شما به عنوان پدر یا مادر می‌دانید چگونه می‌توان پدر و مادر موفق شد؟

آیا شما به عنوان پدر یا مادر به نقش‌ها و وظایف خود آگاهی دارید؟

آیا شما به عنوان پدر یا مادر باور دارید که "توانا بود هر که دانا بود"؟

آیا شما به عنوان پدر یا مادر با هدف‌های تعلیم و تربیت آشنایی دارید؟

چکیده

بدون شک، هر پدر و مادری می‌خواهد در تعلیم و تربیت فرزند یا فرزندان موفق شود و نقش‌ها و وظایف خود را به نحو احسن ایفا کند. از این رو، نخستین شرط موفقیت هر پدر و مادری (تمام پدران و مادران)، داشتن شناخت و کسب آگاهی‌های لازم است. بنابراین مقاله حاضر به معرفی وادی‌های شناخت اختصاص داده شده و تلاش شده است پس از بیان مقدمه‌ای کوتاه، پنج وادی مهم شناخت به اختصار به شرح زیر مورد بررسی قرار گیرد: الف: انسان کیست و چیست؟ ب: تعلیم و تربیت چیست؟ ج: هدف‌های تعلیم و تربیت کدامند؟ د: اصول تعلیم و تربیت ه: روش‌ها و ابزار. در خاتمه رهنمودهایی چند به پدران و مادران ارائه شده است.

مقدمه

خداوند به حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید: "و بگو پروردگارا بر علم من بیفز" (سوره طه، آیه ۱۱۴). درباره ضرورت دانایی و شناخت می‌توان از دیدگاه‌های گوناگون سخن گفت، اما در این مقاله، بیشتر از مقوله تعلیم و تربیت بحث می‌شود.

شناخت، مانند هر پدیده دیگری ایجاد می‌شود، رشد می‌کند، متحول، عمیق و گسترده می‌شود. شناخت، کلید موفقیت و راز سیادت انسان و تحقق هدف‌های تعلیم و تربیت است. همچنین شناخت، وسیله‌ای است برای افزایش کارایی و خلاقیت همه پدران و مادران به منظور اثربخشی و تأثیرگذاری بیشتر بر تعلیم و تربیت و فرآیند رشد فرزندان و نیز پیشگیری از بروز ناهنجاری‌ها در آنان.

زمانی که رفتار انسان را مورد مطالعه قرار می‌دهیم، در می‌یابیم که عامل شناخت و دانایی بر فرآیند تعلیم و تربیت تأثیر می‌گذارد. پیش از هر سخنی، به سخنان گهربار و زیبای مولانا علی (ع) اشاره می‌شود: "بر تو باد اندیشیدن، زیرا که اندیشیدن موجب هدایت فرد از گمراهی

انسان، به اقتضای فطرت خود تشنه دانستن و شناختن است و همواره می‌خواهد بداند، بشناسد، پیش‌بینی و پیشگیری نماید و پدیده‌ها را تفسیر و تبیین کند. در این راستا اکثر پدران و مادران تمایل دارند در حد مقدرات درباره نقش‌ها و وظایف خود بیشتر آگاه شوند و درباره تعلیم و تربیت فرزند یا فرزندان به تفکر بپردازند. بدیهی است فرزندآوری، اختیاری است، اما فرزندپروری الزامی است و شناخت، لازمه هر حرکت هدفمند و جهت‌دار است. از این رو، تنها سرمایه ارزشمند انسان، قدرت اندیشیدن و تفکر اوست که می‌تواند تحول ایجاد کند و انسان را تولدی تازه بخشد (افروز، ۱۳۹۰).

دانایی، دانش، شناخت، معرفت، علم و آگاهی تا حدودی مترادف هم هستند و قرآن مجید صریحاً به ما می‌فرماید: "از آنچه بدان علم و آگاهی نداری، پیروی مکن" (سوره اسراء، آیه ۳۶). همچنین در روایات ائمه معصومین (ع) علم و دانش به عنوان غذای روح معرفی شده است. در نگاه اسلام، مرزی برای علم و شناخت وجود ندارد، به طوری که

انعقاد نطفه تا واپسین دم حیات) مورد مطالعه قرار داد، علت‌هایی که فقط به امروز و دیروز مربوط و محدود نمی‌شود.

وادی سوم شناخت: هدف‌های تعلیم و تربیت کدام است؟

سومین وادی مهم شناخت این است که هر پدر و مادری باید بداند تعلیم و تربیت چه هدف‌هایی را دنبال می‌کند؟ زیرا امام جعفر صادق (ع) فرموده است "کسی که بدون بصیرت، اقدام به عملی کند، مانند پوینده‌ای است که به بی‌راهه می‌رود، هر قدر سریع‌تر حرکت کند، از هدف دورتر می‌شود (العامل علی غیر بصیرَه کالسائر علی غیر الطریق لایزیدَه سرعه السیر الا بعدا، اصول کافی، جلد اول، ص ۵۴). به اختصار اشاره می‌شود که مهم‌ترین هدف‌های تعلیم و تربیت عبارتند از:

- انسان‌سازی و کسب ارزش‌ها و فضایل اخلاقی.
- رشد و شکوفاسازی توانایی‌های بالقوه فرزند یا فرزندان به‌طور همه‌جانبه.
- حفظ و تأمین سلامت جسمانی و روانی فرزند یا فرزندان.
- آماده‌سازی فرزند یا فرزندان برای زندگی در دنیای واقعی.
- مستقل شدن و توانمندسازی فرزند یا فرزندان برای رفع نیازها.
- شایان ذکر است که در جهان هستی، هر حرکتی و هر اقدامی هدفمند و هدفمدار است. لذا در هر فعالیت، هدف‌شناسی و هدف‌گرایی مهم‌ترین مرحله محسوب می‌شود. در غیر این صورت، گمراهی و ابهام و سردرگمی به بار خواهد آمد و پدر و مادر بی‌هدف و خانواده بی‌هدف، چون کشتی سرگردان است! به نظر می‌رسد نهاد مقدس خانواده نقش اساسی را به عهده دارد و سعادت انسان وابسته به میزان شناخت، بیداری و هدفمندی پدر و مادر است، زیرا گل‌ها مشکلی ندارند؛ باغبان‌ها اشکال دارند! (به‌پژوه، ۱۳۹۶).
- در تاریخ برنامه‌ریزی درسی تاکنون چندین مرحله طی شده است. زمانی تکیه روی کودک بود (کودک‌مداری)، یعنی برنامه‌های درسی باید مبتنی بر کودک باشد. زمانی می‌گفتند موضوع‌مداری، یک روزی می‌گفتند معلم‌مداری و اخیراً گفته شد مدرسه‌محوری و سرانجام امروز متخصصان روان‌شناسی و تعلیم و تربیت، اساس برنامه‌ریزی درسی را هدف‌مداری می‌دانند و اکنون می‌گویند برنامه‌ریزی مبتنی بر محصول.

این نگاه مبتنی بر این است که بعد از بیست سال یا بعد از سی سال به چه محصولی می‌خواهیم برسیم؟ چگونه فرزند یا فرزندان و با چه ویژگی‌هایی می‌خواهیم؟ اگر پدران و مادران، برنامه‌ریزان و مسئولان

می‌شود و اصلاح‌کننده اعمال از تباهی است" (عَلَيْكَ بِالْفِكْرِ، فَاِنَّهُ رَشْدٌ مِنَ الضَّلَالِ وَ مَصْلِحُ الْأَعْمَالِ). تعبیر زیبایی که بارها در قرآن مجید آمده است و خداوند حکیم و علیم ما را دعوت به تفکر، تعقل و تدبیر درباره امور گوناگون می‌فرماید (مانند، أَفَلَا يَتَفَكَّرُونَ، أَفَلَا يَفْقَهُونَ). برای مثال، در سوره محمد (ص) آیه ۲۴ خداوند می‌فرماید "یا به آیات قرآن نمی‌اندیشند؟ مگر بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟" در ادامه بعضی از آیات آمده است برای خردمندان نشانه‌هایی (قانع‌کننده) است (لَا آيَاتٍ لِأُولَى الْأَلْبَابِ، سوره آل عمران، آیه ۱۹۰، سوره مائده، آیه ۱۰۰)

یکی از ابزارهای شناخت و دانایی، سؤال کردن است و به‌طور معمول پدران و مادران پرسش‌های متعددی درباره تعلیم و تربیت فرزند یا فرزندان خود مطرح می‌کنند که ضرورت دارد به آنها پاسخ مناسب داده شود. از این رو، در آغاز این مقاله پس از طرح پرسش‌هایی چند، پدران و مادران به اندیشیدن پیرامون آنها دعوت شده‌اند.

وادی اول شناخت: انسان چیست و کیست؟

پدران و مادران به مثابه معلمان و مربیان و کارشناسان تعلیم و تربیت با مخاطب و موضوع مورد مطالعه‌ای روبرو هستند، به نام انسان (فرزند). شناخت انسان، امری بسیار ظریف، پیچیده و عمیق است؛ زیرا انسان موجودی چند بعدی است و تمام ابعاد او در فرایند رشد و تعلیم و تربیت بر یکدیگر تأثیر و تأثر دارند. وادی اول شناخت این است که همه پدران و مادران باید شناخت درستی از انسان داشته باشند و بدانند انسان چیست و کیست؟ از دو دیدگاه یکی از دیدگاه اعتقادی و دیگری از دیدگاه روان‌شناختی. زمانی که حضرت حق در قرآن مجید می‌فرماید انسان را بر بسیاری از مخلوقات، برتری بخشیده و گرامی داشته است (سوره اسراء، آیه ۷۰) یا به انسان، روح خدایی دمیده شده است (سور ص، آیه ۷۱)، یعنی چه؟ در وادی اول شناخت، ضرورت دارد شناخت درستی از فرزند یا فرزندان خود به عنوان انسان داشته باشیم تا سپس بتوانیم گام‌های بعدی را درست و محکم برداریم.

وادی دوم شناخت: تعلیم و تربیت چیست؟

دومین وادی شناخت که بسیار اهمیت دارد، این است که هر پدر و مادری به عنوان اصحاب تعلیم و تربیت باید بدانند تعلیم و تربیت چیست؟ هر پدر و هر مادری و هر معلمی برای ایفای نقش‌های خود باید تعریف و برداشت درستی از تعلیم و تربیت داشته باشد. در این ارتباط مکاتب گوناگون و دیدگاه‌های فلسفی متفاوتی وجود دارد. در این بخش تعریفی از تعلیم و تربیت ارائه می‌شود و امید است مورد توجه قرار گیرد.

به نظر اینجانب "تعلیم و تربیت عبارت است از مجموعه تلاش‌ها، فرصت‌ها، امکانات، اقدام‌ها و برنامه‌های (رسمی و غیررسمی؛ مستقیم و غیرمستقیم) از بدو انعقاد نطفه تا واپسین دم حیات برای رشد و شکوفاسازی توانمندی‌های بالقوه فرد به‌طور همه‌جانبه تا رسیدن به حداکثر ظرفیت (کمال)" (به‌پژوه، ۱۳۹۶؛ ۱۳۹۷). بدون شک، تمام اجزاء و عناصر این تعریف قابل بحث و تأمل است. این‌گونه نیست که کودکی برحسب تصادف سالم و صالح شود و کودکی دیگر یک شبه و ناگهانی دچار لجبازی، ناخن جویدن و شب‌اداری گردد، یا نوجوانی یک روزه دچار وسواس، پرخاشگری، بزهکاری، اعتیاد و خودکشی شود؛ بلکه فرایندی پرنشیب و فراز در کار بوده که از بدو انعقاد نطفه شروع شده و به زمان حاضر رسیده است. از این رو، عوامل مؤثر بر رشد انسان و علت‌های بروز ناهنجاری‌های عاطفی و رفتاری را باید در گستره حیات (از بدو



من به امنیت خاطر چو غذا محتاجم.
من محبت ز شما می‌خواهم،
دل پاک من از عاطفه لبریز کنید.

هدف چهارم: آماده‌سازی فرزند یا فرزندان برای زندگی در دنیای واقعی

در ارتباط با این هدف، حضرت علی(ع) می‌فرماید: «فرزند زمان خویشتن باش.» همچنین ایشان فرموده‌اند که فرزندان خود را برای زمانی غیر از زمان خودتان تربیت کنید. این سخنان گهربار بیانگر این است که آیا آموختن ما برای زیستن ماست؟ یعنی اینکه بازگردیم و نگاهی کنیم به آنچه در خانواده در مدرسه، پیش از دانشگاه و بعد از دانشگاه به فرزندان ما یاد می‌دهند و یاد می‌دهیم و از خودمان سؤال کنیم آنچه به ما یاد می‌دهند یا آنچه ما یاد می‌گیریم تا چه میزان برای بهتر زیستن ما مفید است؟ پدران، مادران، معلمان، مربیان و استاتان دانشگاه‌ها در خانواده و در مدارس و در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، تا چه میزان مهارت‌های زندگی و درس به‌زیستی به فرزندان، دانش‌آموزان و دانشجویان خود آموزش می‌دهند؟ از امام جعفر صادق (ع) سؤال شد که ما به فرزندانمان چه آموزش بدهیم؟ حضرت پاسخی دادند که برای قرون و اعصار معنا دارد؛ فرمودند آنچه نیاز زمان است.

هدف پنجم: مستقل‌سازی و قادرسازی فرزند یا فرزندان برای رفع نیازها

اساساً انسان، ضعیف‌ترین و وابسته‌ترین موجودات است. از این رو، با تعلیم و تربیت می‌خواهیم تا جایی که مقدر است انسان را به موجودی قوی و مستقل تبدیل کنیم. بنابراین پدران و مادران و نظام آموزش و پرورش باید تلاش کنند کودکان و دانش‌آموزان به آموزش‌های مناسب و لازم دست یابند تا خود به رفع نیازهایشان بپردازند و در نتیجه به تدریج تارهای وابستگی‌شان قطع شود و به سوی استقلال نسبی قدم بردارند.

وادی چهارم شناخت: اصول تعلیم و تربیت

اصل، عبارت است از بنیان، اساس و پایه هر پدیده‌ای که موجب پدید آمدن یک کل واحد می‌شود. در تعلیم و تربیت، اصولی هستند که

نظام آموزشی، هدف‌ها را مشخص کنند، بشناسند و در برنامه‌ریزی‌ها به آنها توجه و عمل کنند، بسیاری از مسائل جامعه ما حل می‌شود. در حال حاضر فشارهای درسی‌ای که توسط خانه و مدرسه و جامعه، به ویژه توسط پدران و مادران بر کودکان و نوجوانان و جوانان وارد می‌شود، طراوت و شادابی آنها را از بین برده است. دلیل عمده این وضعیت این است که مادران، پدران، مدیران و معلمان هدف‌ها را نمی‌شناسند و به آنها توجه ندارند. برخی از مادران و پدران حاضرند به هر ترتیبی و به هر قیمتی که شده، فرزندشان درس بخواند، دیپلم بگیرد و وارد دانشگاه شود؛ اما اگر فرزندشان دچار مشکل روانی بشود و یا از زندگی‌اش چیزی نفهمد، مهم نیست! به نظر اینجانب این انحرافی است که در جامعه ما، به ویژه در خانواده‌ها و نظام آموزشی ما رخ داده است و همه ما مسئول هستیم این باورهای نادرست را اصلاح کنیم و هدف‌های تعلیم و تربیت را به درستی بشناسیم.

گاهی ملاحظه می‌شود برخی از پدران و مادران هدف‌های تعلیم و تربیت را به خوبی نشناخته‌اند و به طور باری به هر جهت عمل می‌کنند. بدیهی است زمانی که به هدف‌های تعلیم و تربیت توجه نداریم، به سراغ روش‌های نادرست و نامناسب می‌رویم. نمی‌دانیم به کجا می‌رویم؟ چه کار می‌کنیم؟ و چگونه محصولی می‌خواهیم؟ بدیهی است مادامی که هدف‌های تعلیم و تربیت را به خوبی نشناسیم، ابزار و روش مناسب را نمی‌توانیم به کار بگیریم. در این بخش هدف‌های غایی و عمده تعلیم و تربیت به اختصار مورد بحث قرار می‌گیرد.

هدف اول: انسان‌سازی و کسب ارزش‌ها و فضایل اخلاقی

نکته نخست این است که ما انسان نیستیم، بلکه انسان می‌شویم و تمام فعالیت‌ها و اقدامات باید موجب شود آدم بشویم؛ درس می‌خوانیم که آدم بشویم. این موضوعی است که در فرهنگ ما بارها به آن اشاره شده است که "ملا شدن چه آسان، آدم شدن محال است و یا دشوار است!". برای مثال، اگر کسی دکترای فیزیک بگیرد یا دکترای ریاضی بگیرد، اما آدم نشود، چه خواهید گفت؟! اینکه به دنبال چه محصولی هستیم، امر بسیار مهمی است؛ بدو، بدو، بنویس، بخوان، مسأله حل کن، ورزش کن، نقاشی بکش، خوش خطی بکن، که به کجا برسیم؟! خداوند متعال در سوره حجرات، آیه، ۱۳، در ارتباط با این هدف فرموده است: در حقیقت، گرمی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزگارترین شماست (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ). خداوند سبحان می‌توانست معیار دیگری بدهد، ولی می‌فرماید با تفاوت‌ترین شما نزد من گرمی‌ترین است.

هدف دوم: رشد و شکوفاسازی توانمندی‌های بالقوه

فرزند یا فرزندان به طور همه‌جانبه

هدف دوم تعلیم و تربیت رشد و شکوفاسازی توانمندی‌های بالقوه فرزند یا فرزندان به طور همه‌جانبه است، زیرا که در تعلیم و تربیت اسلامی، هدف مهم، پرورش و ساختن انسان‌های رشید است. انسان رشید کیست؟ کسی است که به رشد همه‌جانبه نائل آمده و در تمام ابعاد وجودی رشد یافته است؛ رشد جسمانی، رشد شناختی، رشد عاطفی، رشد اجتماعی و رشد معنوی و اخلاقی. اکنون این سؤال مهم مطرح است که پدران، مادران، معلمان، مربیان و برنامه‌ریزان تا چه حد به رشد همه‌جانبه فرزندان و دانش‌آموزان توجه دارند؟

هدف سوم: حفظ و تأمین سلامت جسمانی و روانی

فرزند یا فرزندان

هدف سوم تعلیم و تربیت، حفظ و تأمین سلامت جسمانی و روانی فرزند یا فرزندان است. در فرایند تعلیم و تربیت، ما وظیفه داریم به این سؤال مهم پاسخ دهیم که چقدر به حفظ و تأمین سلامت جسمانی و روانی فرزندان توجه داریم؟ آیا به نیازهای جسمانی آنان همان قدر توجه داریم که به نیازهای روانی آنان؟ در این ارتباط فرزندان به ما پیام می‌دهند:

ای پدر

احتیاجم همه پوشاک و غذا تنها نیست،



پرهیز نمایید.

بدیهی است تمرین باید متنوع، هدفدار، عینی، واقعی، به قدر کافی، منظم و شادی بخش باشد.

• سعی کنید رفتارهای مطلوب فرزندان را به روش‌های گوناگون تشویق کنید و پاسخ‌های درست او را تقویت نمایید. بدیهی است که مربی ماهر و دانا باید صیاد رفتارهای مطلوب باشد.

• هر پدر و مادری باید بداند که شناسایی و پرورش استعدادها و توانایی‌های کودک همان قدر مهم است که شناسایی محدودیت‌ها و ناتوانی‌های او.

• در ارتباط با فرزند خود، مانند بازرسان عمل نکنید؛ بلکه به سادگی و با مهربانی به او بگویید: «من می‌خواهم به شما کمک کنم و می‌خواهم بدانم شما این متن را چگونه می‌خوانید یا این مسئله را چگونه حل می‌کنید؟»

• در برخورد با کودک پیش‌داوری نکنید و از قبل نگوئید «من می‌دانم اشتباهت در چیست؟». یادتان باشد، انسان تا اشتباه نکند، یاد نمی‌گیرد. البته به او کمک کنید که اشتباهاتش را بشناسد و تکرار نکند. گفتنی است که هیچ کودکی، راه رفتن را بدون زمین خوردن یاد نمی‌گیرد!

• سعی کنید به‌طور منظم با مدرسه و معلم فرزندان در تماس باشید و در صورت امکان با هماهنگی قبلی، گاهی از مدرسه و کلاس فرزندان بازدید کنید. در مدرسه او حضور یابید و با مدرسه همکاری نزدیک داشته باشید.

• سعی کنید در جلسه‌های آموزش خانواده شرکت کنید و با مشاور و روان‌شناس مدرسه فرزندان و افراد متخصص به مشورت بپردازید.

• سعی کنید کتاب‌ها و نشریات مربوط به روان‌شناسی و تعلیم و تربیت را مطالعه کنید (برای مثال، نشریه پیوند، نشریه تربیت، ماهنامه رشد معلم، ماهنامه تعلیم و تربیت استثنایی، فصلنامه تعلیم و تربیت و ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی) و به سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی مفید و مناسب مراجعه نمایید.

• سعی کنید فرزندان را با روش‌های یادگیری، روش‌های مطالعه، روش‌های درس خواندن و یادداشت‌برداری آشنا کنید. در حال حاضر اصل «یاد بگیریم، چگونه یاد بگیریم» مورد تأکید خاص روان‌شناسان تربیتی است.

• سعی کنید با کمک افراد متخصص، مانند روان‌شناس و مشاور، هر چه زودتر وضعیت جسمانی و روانی فرزندان را بررسی کنید و از وجود احتمالی نارسایی‌ها و آسیب‌ها مطلع شوید. با آنها درباره علت‌شناسی و روش‌های درمان و اصلاح رفتار فرزندان مشورت کنید. برای مثال، با مراجعه به شنوایی‌سنج و بینایی‌سنج از نظر سلامت و وضعیت شنوایی و بینایی فرزندان اطمینان حاصل نمایید.

• یادتان باشد که مهم‌ترین مهارت و روش تأثیرگذاری در تعلیم و تربیت و نفوذ بر فرزندان که هر پدر و مادری باید کسب کند، مهارت برقراری رابطه مؤثر با کودک و نوجوان است (به‌پژوه، ۱۳۹۶).

سخن پایانی

امروزه، در عصر دانایی، تربیت عقلانی و معنوی اساس تعلیم و تربیت را تشکیل می‌دهد و هیچ موهبتی به اندازه موهبت عقلانیت و معنویت ارزش حیاتی ندارد. شناخت، عقلانیت و معنویت در زندگی خانوادگی، راه سعادت‌مند شدن را هموار می‌کند و به‌طور اعم موجب می‌شود پدر و مادر راه رشد و تکامل خود و فرزندان را به خوبی طی کنند و با مشکلات به‌درستی روبرو شوند و مقابله نمایند. از این رو، پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «دانایی سرآمد همه خوبی‌ها و نادانی سرآمد همه بدی‌هاست» (العلم رأس کل خیر و الجهل رأس کل شر، هدایت‌العلم، جلد ۲، صفحه ۹۹۴). همچنین حضرت علی (ع) به کمیل فرموده است: «ای کمیل هیچ حرکت و کاری پیش نخواهد رفت، جز اینکه در آن شناخت لازم را داشته باشی» (تحف العقول، صفحه ۱۱۹).

در خاتمه سزاوار است با صدای بلند و رسا گفت که:

آن که در او جوهر دانایی است بر همه کارش توانایی است

محور و تکیه‌گاه هر گونه اقدام تربیتی به شمار می‌رود. برای مثال، زمانی که از اصل تفاوت‌های فردی یاد می‌کنیم، باید رگه‌های این اصل را در برنامه‌ریزی‌ها، برخوردها و اقدامات تربیتی مشاهده کنیم (احمدی، ۱۳۸۶). از این رو، ضرورت دارد پدران و مادران به‌طور اعم با اصول تربیتی آشنا باشند. برخی از این اصول عبارتند از: اصل دانایی، اصل آشناسازی کودک با واقعیت‌ها، اصل توجه به تفاوت‌های فردی، اصل اغماض و انعطاف‌پذیری، اصل اعتدال، اصل اهمیت بازی، اصل برخورد مثبت، اصل مستقل‌سازی کودک، اصل هماهنگی عوامل تربیتی و نظایر آن.

وادی پنجم شناخت: روش‌ها و ابزار

در وادی پنجم شناخت، با توجه به وادی‌های قبلی، روش‌ها، مواد، وسایل، امکانات و ابزار مناسب جهت تحقق هدف‌های تعلیم و تربیت به کار گرفته می‌شود. شایان ذکر است که اکثر امور نقش وسیله‌ای دارند؛ از این رو، پدران و مادران باید همواره به هدف‌ها توجه داشته باشند. بدیهی است که روش‌ها و ابزار، در خدمت تحقق هدف‌ها هستند؛ همان‌طور که تعلیم در خدمت تربیت است.

چند توصیه

• یکی از مهم‌ترین سؤال‌هایی که هر پدر یا مادری باید از خود بپرسد این است که هدف از درس خواندن و مدرسه رفتن چیست؟ آیا تنها راه سعادت‌مند شدن فرزندم فقط درس خواندن است؟ درس خواندن فرزندم، به چه قیمتی؟! اگر فرزند من نتوانست درس بخواند، با او چه برخوردی باید داشته باشم؟ سلامت روانی و جسمانی فرزند من مهم‌تر است یا درس خواندن و ادامه تحصیل او؟!

• سعی کنید به تدریج تارهای وابستگی فرزندان را قطع کنید. از این رو، پدر و مادر نباید کودک را به خود وابسته کنند و به جای او فکر کنند و به جای او عمل نمایند. به کودک کمک کنید تا خود معلم خود شود و به خود آموزش دهد و خود را تصحیح کند (فرآیند فراشناخت). برای مثال، اگر کودکی نداند که تکرار مطالب، به یادآوری آن مطالب کمک می‌کند، از راهبرد تکرار و تمرین استفاده نخواهد کرد (کوپر، ۲۰۰۱، ترجمه به‌پژوه و نوری، ۱۳۹۵).

• پدر و مادر نباید همیشه به کمک کودک بشتابند و او را از تجربه کردن منع کنند. بلکه باید به کودک اجازه دهید تا خود تلاش کند و مسئله‌اش را حل کند و مسئولیت اعمالش را بپذیرد.

• گاهی اوقات کودک سؤال می‌کند: «معنای این کلمه چیست؟»

یا «این مسئله چگونه حل می‌شود؟» در

پاسخ با مهربانی باید گفت: «پسرم یا

دخترم خودت چی فکر می‌کنی؟ خودت

فکر کن!» و او را دعوت به فکر کردن کنید.

• سعی کنید فرزندان را درگیر فعالیت‌های

جالب کنید و از تمرین‌های بدون

هدف و خسته‌کننده

